

پیروی از رسول خدا(ص) در رابطه با دنیا

در معارف دینی ما به دنیا و زندگی دنیا توجه شده است، اما از دنیا به‌عنوان پلی که می‌خواهد ما را به زندگی ابدی آخرت برساند، یاد شده است. دنیا گذرگاه است و آخرت منزلگاه، به همین دلیل در همین دنیا انسان باید همه تلاشش را بکند که بهترین زندگی را بری خود و اطرافیانش فراهم کند، اما سعدی می‌گوید: دل به دنیا در نبندد هوشیار!

دل بستن به دنیا همان نکته‌ای است که در معارف دینی ما نهی شده است. به‌طور کلی دل بستن به چیزهای زودگذر مایه افسردگی انسان است. حتی به ما گفته شده که دنبال معیشت دنیا و روزی حلال بودن، عبادت است؛ بلکه تأکید شده که بخش زیادی از عبادت همین است. اما محبت دنیا در احادیث ما ریشه خطاها و انحرافات اخلاقی برشمرده شده است. در موضوع رابطه ما با دنیا باید به پیامبر بزرگ اسلام(ص) رو کنیم و از ایشان بیاموزیم. مسئله برقراری ارتباط ما با پیامبر اکرم(ص) در یک نقطه دارای ویژگی محوری است و آن اسوه‌بودن شخصیت حضرت است. همان‌طور که خداوند عالم نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ یعنی وجود رسول اکرم(ص) اسوه کامل برای کسانی است که به خدا و روز قیامت امید دارند و فراوان او را یاد می‌کنند. از این منظر، اینکه رسول خدا(ص) در قرآن کریم به‌منزله اسوه تعریف شده است، نشان می‌دهد که ما باید در همه روحیات و اعمال خودمان پیرو شخصیت، وجود و سیره نبی مکرم اسلام(ص) باشیم.

منتها این سؤال پیش می‌آید که ما چطور می‌توانیم در سبک زندگی و منش با رسول(ص)... یکی شویم و خود را با وجود ایشان تطبیق دهیم. مهم‌ترین رکن این تطابق و پاسخ به این سؤال معطوف به تنظیم بینش ما با پیامبر اکرم(ص) است. بینش محوری نبی مکرم اسلام(ص) هم این بود که به دنیا دل بستگی نداشتند تا جایی که در روایت آمده است زمانی رسول خدا(ص) از خواب بیدار شدند، درحالی که اثر حصیر زیرانداز ایشان بر صورت حضرت باقی مانده بود. در اینجا فردی از حضرت پرسید: ای پیامبر خدا(ص) آیا بهتر نبود حداقل فرش نرمی را پهن می‌کردید تا اثر حصیر بر صورت شما باقی نماند؟ مرد که این را گفت، حضرت پاسخ دادند: مرا با دنیا چه کار؟! مثل من، مثل سواری است که زیر سایه یک درخت به خواب کوتاه ظهرگاهی فرومی‌رود و پس از زمان کوتاهی هم برمی‌خیزد و عبور می‌کند.

این مسئله خیلی مهم است که شما در عتفوان جوانی به سیره نبی مکرم اسلام(ص) توجه کنید. اینکه همه چیز من در این دنیا باشد و خانه، زندگی، درآمد و پول به دغدغه اول و آخر ما تبدیل شود، این بینش منطبق بر منطق رسول اکرم(ص) نیست. به‌این ترتیب، تا زمانی که مادی‌گرایی در زندگی ما محور باشد، پیامبر(ص) برای ما اسوه نیست، اما اگر بینش ما با زاویه دید نبی مکرم اسلام(ص) تطبیق پیدا کرد، آن زمان است که می‌توانیم در همه شئون زندگی خود با سیره نبوی تنظیم شویم.

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که در زندگی دنیا و ارتباط با این دنیا ما را پیرو پیامبر خود قرار دهد و توفیق الگوگیری واقعی از حضرتش را به ما و خانواده و جامعه ما عنایت کند. ان شاء...

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بردار و بخوان

سیره و خاطرات علما

زندگی علما و روایت تاریخی، کنش و واکنش‌های ایشان در مقاطع ویژه تاریخی، از جذابیت‌های کتاب «سیره و خاطرات علما» است. محمدعلی جاودان، نویسنده کتاب «سیره و خاطرات علما»، در این اثر رفتارها و کرامات اخلاقی و برخورد‌های برگزیده علما را گردآوری کرده است. موضوع این اثر همان‌طور که از نامش پیداست، ذکر خاطراتی شیرین، درس‌آموز و عبرت‌آمیز از علما و بزرگان است. نویسنده سعی کرده است کرامات اخلاقی و رفتارهای برگزیده بزرگان و علما را در کتاب گردآوری کند. باتوجه به اینکه نویسنده یکی از استادان اخلاق است، در این کتاب هم کوشش کرده است مطالبی به‌عنوان سرمشق عملی و تذکری از آخرت و تقوا برای خواننده بیاورد. بسیاری از آنچه در این کتاب آمده، نویسنده آن را از اشخاص موثق شنیده و بعضی از مطالب هم برگرفته از کتاب‌هایی است که در زمینه تاریخ و شرح حال افراد نگارش یافته است. البته خیلی از این خاطرات نیازمند سند است؛ چون حاوی نکته‌ای عملی است که هم معقول و هم باعث تنبه و توجه است. نویسنده کتاب، نوه مرحوم شیخ مرتضی زاهد است و نیز سال‌ها از محضر علامه سیدمرتضی عسکری بهره برده است. تعداد خاطراتی که از این دو عالم بزرگوار در کتاب ذکر شده، زیاد است، اما به جز این دو عالم، سایر علمایی که از آن‌ها در کتاب، خاطره‌ای نقل شده است، از این قرارند:

حضرات آیات و حجج اسلام شیخ محمدحسین زاهد، شیخ عبدالکریم حق شناس، میرزا محمدتقی باقی، فاضل اردکانی، شیخ‌هادی تهرانی معروف به حاج مقدس، آقا سیدجمال الدین گلپایگانی، میرزا ابوالحسن جلوه، سیدمحمدباقر علوی قزوینی، شیخ انصاری، آخوند ملا حسینقلی همدانی، شیخ آقابزرگ ساوچی، سید عبدالکریم لاهیجی، آخوند ملافتحعلی سلطان‌آبادی، سیدمحمد فشارکی، شیخ محمدحسین مسجدشاهی اصفهانی، سیدمحمد مهدی بحر العلوم، سیدحسین قاضی طباطبایی، میرزا محمدحسن شیرازی (میرزای بزرگ)، میرزا محمدتقی شیرازی، شیخ فضل... نوری، ملاقراباغلی زنجانی، آقا حسین بروجردی، میرزا جوادملکی تبریزی، سیدمهدی قوام، شیخ حسنعلی نخودکی، سیدحسین صدر، حاجی اشرفی، میرزا محمدحسن آشتیانی، ابوالقاسم کبیر قمی، سیدمحمدتقی خوانساری، میرزا محمدعلی شاه‌آبادی، ابوالقاسم خویی، ملا محمدعلی مجتهدرستم‌آبادی، محمد رضا قمشه‌ای، قاضی نور... شوشتری، میرزا عبدالعلی تهرانی، سید موسی زربآبادی، آخوند خراسانی، ملاحسن یزدی، شیخ هاشم قزوینی، میرزا طاهر تنکابنی، حاج آقا حسین قمی، سردار کابلی، ادیب نیشابوری و سیدحسن مدرس.

بعضی حکایاتی که در این کتاب ذکر شده است، ناظر به مسائل سیاسی زمان هم هست، ازجمله جریان مباحثه شیخ فضل... نوری با آقایان سیدعبد... بهبهانی و سیدمحمد بروجردی درباره مسائل مشروطه که در زمان مهاجرت شیخ فضل... نوری به حرم حضرت عبدالعظیم انجام شده بود. این حکایت هفده صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده و حاوی نکات مهم تاریخی درباره مشروطه است.

همچنین، در یکی از حکایاتی که مربوط به علامه عسکری است، ذکر خبری از شهید عبدالحمید دیالمه شده و ضمن نقل چگونگی آشنایی این شهید با علامه، از هوش و ذکاوت و استعداد فوق‌العاده این شهید سخن به میان آمده است.

باتوجه به شخصیت علمی علامه عسکری، خاطرات مربوط به ایشان حاوی نکات علمی نیز هست؛ مثلاً جریان مناظرات ایشان با دانشمندان مسیحی و دانشمندان اهل سنت که در کتاب ذکر شده است، حاوی نکاتی مهم در اثبات حقایق اسلام و تشیع است. از دیگر نکات مثبت کتاب، این است که در انتهای آن، نمایه اعلام، مکان‌ها و نام کتاب‌ها نیز آورده شده است که کار را برای پژوهشگران آسان‌تر می‌کند.



پاشنه ۱۳۲ مهر ۱۳۹۲ شماره ۲۳۳ بهار ۱۴۵۵

۱۴



ارکان چهارگانه ایمان در کلام امیرالمؤمنین(ع)

ایمان به خدا سلامت جامعه را تضمین می‌کند

آمنه مستقیمی وقتی سخن از دین و دین‌داری به میان می‌آید، نخستین واژه‌ای که ما را به آن فراخوانده‌اند و به ذهن متبادر می‌شود، «ایمان» است، چنان‌که در خطاب‌های قرآن به مؤمنان نیز مرتب این مسئله تکرار می‌شود، وقتی به آن‌ها می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»، اما اینکه ایمان چیست، چه ارکانی دارد، چطور ممکن و محقق می‌شود و چگونه می‌توان در دایره خطاب مؤمنانه قرآن قرار گرفت، موضوعی است که جامعه مسلمان نباید و نمی‌تواند بی‌توجه و غافلانه از کنار آن بگذرد، همان‌طور که آموزه‌های دینی چنین عبور نکرده‌اند و درباره ارکان ایمان سخنانی به‌صراحت دارند.

شرط پذیرش ایمان

باید توجه کرد که در آموزه‌های قرآنی روایی، ایمان در کنار عمل صالح قرار گرفته است: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»، یعنی ایمانی که با عمل صالح همراه نباشد، اثری ندارد.

ایمانی که با این ارکان و مؤلفه‌ها در انسان شکل بگیرد، علاوه بر آثار فردی قطعاً ره‌آورد و ارمغان اجتماعی نیز برای او به‌همراه دارد. آرامش اجتماعی از مهم‌ترین دستاوردهای چنین ایمانی است.

ایمان موجب پابندی انسان به ضوابط اخلاقی و احکام عملی است و باعث می‌شود انسان از تعدی به حقوق دیگران بپرهیزد و بدین‌سان، جامعه اسلامی پیوسته در آرامش و آسایش است. مؤمن در رفتار و کردار و گفتار خویش، می‌کوشد به دیگران آسیب نرساند و بر کسی ستم نکند، به تعبیر روایات، مؤمن گویی لجام بر دهان دارد (خصال، ۲۲۹/۱).

ایمان به قلب است یا زبان؟!

درباره اینکه ایمان دینی بر چه پایه پایه‌هایی بنامی شود، متکلمان شیعه دیدگاه‌های متعددی دارند؛ برخی بر این باورند که ایمان فقط یک رکن دارد و آن، همان باور قلبی است. بنا بر این نظر، ایمان تصدیق به قلب است و اقرار زبان و عمل به ارکان در تحقق آن نقشی ندارد. اما برخی متکلمان شیعه ایمان را دارای دو رکن دانسته‌اند: باور قلبی و اقرار زبانی. آن‌ها معتقدند ایمان، عبارت از تصدیق به قلب و زبان است و تصدیق قلبی هر چند لازم است، کافی نیست؛ زیرا خداوند فرموده است: «بِأَيِّكُمُ (فرعونیان) در دل یقین داشتند، از روی کبر و ستم، آن را انکار کردند. (نمل: ۱۴)»، اقرار زبانی نیز به تنهایی کافی نیست؛ زیرا خداوند فرموده است: «اعراب گفتند: ایمان آوردیم. به آنان بگو: ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم. (حجرات: ۱۴)»، این کسان به زبان بر یگانگی خدا و نبوت و معاد گواهی می‌دادند، ولی خداوند با صراحت، آنان را بی‌ایمان می‌خواند. پس می‌توان دریافت که ایمان بر دو پایه باور و اقرار بنا شده است و هیچ‌یک به تنهایی کافی نیست (دایرةالمعارف تشیع، ج ۲، ص ۶۵۴).

ارکان ایمان



ارکان ایمان در کلام امیرمؤمنان(ع)

از امیرالمؤمنین(ع) معنی ایمان را پرسیدند، حضرت فرمودند: ایمان را چهار رکن است؛ شکیبایی و یقین و عدل و جهاد. شکیبایی را نیز چهار شعبه است: شوق و ترس و پارسایی و انتظار. امام‌علی(ع) برای یقین نیز چهار شعبه قائل هستند و می‌فرمایند: بینایی هوشمندانه و دریافت از روی حکمت و پندگرفتن از چیزهای عبرت‌آمیز و رفتن به روش پیشینیان. و عدالت را چهار شعبه است: فهمی که به عمق چیزها رسد و علمی که حقایق را دریابد و داوری‌کردنی نیکو و راست‌بودن در بردباری. جهاد را نیز چهار شعبه است: امر به معروف و نهی از منکر و پیکار در راه دین و دشمنی با فاسقان. کفر را هم چهار رکن است: کنج‌کاو یبیهوده و خصومت‌کردن و انحراف از حق و دشمنی‌ورزیدن. شک را نیز چهار شعبه است: جدال بیهوده و هول‌وهراس و دودلی و تسلیم (نهج البلاغه، حکمت ۳۱). امام‌علی(ع) در این کلام جامع، تفسیری برای ایمان ذکر کرده‌اند که در هیچ منبع دیگری به این گستردگی و وضوح دیده نمی‌شود. به ایمان فراتر از جنبه‌های عقیدتی، از جنبه‌های عملی و رفتاری نیز توجه کرده‌اند و همه ریزه‌کاری‌ها و نکات دقیقی را که در تشکیل ایمان مؤثر است، برشمرده‌اند.

پایه‌هایی که ایمان بر آن‌ها استوار است

در حدیثی که از امام‌رضا(ع) روایت شده است، حضرت در پاسخ به سؤال پایه‌های ایمان، فرمودند: ایمان چهار پایه دارد؛ توکل بر خدا، رضا به قضای خدا، تسلیم به امر خدا و واگذاشتن کار به خدا. همچنین مشابه این حدیث، امام‌علی(ع) در کلماتی قصار می‌فرمایند: ایمان بر چهار پایه استوار است، همان‌طور که توکل بر خدا، واگذاری امور به خدا، تسلیم‌شدن در برابر فرمان الهی و راضی‌بودن به قضای خدا. پایه‌های کفر چهار چیز است؛ شیفتگی به دنیا، هراس، خشم و شهوت (تحف العقول، ج ۲، ص ۲۲۳).

رهاورد ایمان برای اجتماع

به تصریح روایات، ایمان آثار متعددی در حوزه اجتماعی رقم می‌زند که می‌تواند سدی برای بسیاری از آسیب‌ها باشد، چنان‌که از امام‌صادق(ع) نقل شده است که فرمودند: مؤمن از ایمان بهره ندارد، مگر آنکه نسبت به برادر مؤمنش همچون پیکر باشد (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۳). این یعنی ایمان، جامعه را به‌صورت یک پیکر واحد درمی‌آورد که دردی در یک عضو، اعضای دیگر را نیز به درد می‌آورد.

ایمان باعث تعهدات اجتماعی است و مینا و پشتوانه این تعهدات، محبت است. از این رو، برای برقراری عدالت اجتماعی هیچ عاملی برتر از تقویت روحیه ایمانی نیست. با تقویت ایمان، از فشار موانع در تحقق عدالت‌کاسته می‌شود. همچنین است مقابله با فساد و انحراف؛ انحرافات اجتماعی اشکالی گوناگون دارند و مؤمن در برابر هر انحرافی که متوجه جامعه می‌شود، مسئول است و باید به مقابله برخیزد. برای مثال، وقتی فساد عملی را می‌بیند، باید برای دفع آن اقدام کند. باب امر به معروف و نهی از منکر، برای همین منظور گشوده شده است.

همیاری و هم‌دردی نیز ره‌آورد دیگری است که ایمان با خود به‌همراه می‌آورد. از وظایف دینی مؤمنان است که به یاری یکدیگر بشتابند و به آنچه در جامعه اسلامی می‌گذرد، حساسیت نشان دهند، چنان‌که در روایتی از پیامبر اسلام(ص)، پرداختن به امور مسلمانان، شرط مسلمانی دانسته شده است. همچنین، در برخی روایات آمده است که آن مسلمانی بهتر است که نفع او برای مردم بیشتر باشد (غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۲۶). برادری و محبت و دستیابی به خلافت و حکومت الهی نیز دستاورد دیگری است که در سایه ایمان حاصل می‌شود.

آنچه به اختصار مرور شد، نشان می‌دهد ایمان اگر با ارکان و پایه‌هایش در سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان مسلمان حاکم شود، به همه رفتارهای او در ساحات مختلف حیات سمت‌وسو می‌دهد و او را در مسیر حیات طیبه‌ای که قرآن برای بشر در نظر گرفته است، پیش می‌برد؛ اما این موضوع مهم نیازمند آن است که ما تا چه اندازه ایمان را آن‌طور که باید و شاید فهم کنیم و چقدر این فهم را در میدان عمل به کار ببندیم تا به فرموده قرآن، همان‌طور که به زبان ایمان آورده‌ایم، قلبی هم ایمان بیاوریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا (نسا: ۱۳۶)».

